



درس فارغ اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۶ اسفند ۱۳۹۰

مصادف با: ۳ ربیع الثانی ۱۴۳۳

جلسه: ۷۲

موضوع کلی: اشتراک کفار با مسلمین در احکام

موضوع جزئی: خاتمه (اشتراط اسلام در صحت عبادات)

سال: سوم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

نتیجه:

محصل بحث ما در مسئله شرطیت اسلام در صحت عبادات این شد که علی رغم اشکالاتی که ما به ادله اشتراط اسلام در صحت عبادات داشتیم نتیجه این شد که اسلام شرط صحت عبادات است؛ یعنی عبادات کافر صحیح نیست گرچه منظور ما از کفر، کفر مقابل اسلام است و گر نه نسبت به اقسام دیگر کفار که اطلاق کافر بر آنها می شود مشکلی در صحت عبادات آنها نیست.

استثناء وقف، عتق و صدقه از سایر عبادات

در صحت وقف، عتق و صدقه از کافر اختلاف واقع شده است، در این سه مورد اگر قصد قربت را معتبر ندانیم اساساً مشکلی در صحت اینها نیست، اگر کسی بگوید مثلاً عتق نیازمند قصد قربت نیست. طبیعتاً اگر کافر عتق را انجام دهد عمل او صحیح است؛ چون مهم ترین مانع بر سر راه صحت عمل کافر عدم امکان تمشی قصد قربت است. حال اگر عملی نیازمند قصد قربت نبود مانعی از صحت عمل کافر نخواهد بود. پس اگر ما در این سه مورد قصد قربت را معتبر ندانیم ظاهراً مشکلی در صحت این اعمال از سوی کافر نخواهد بود. لکن اگر قصد قربت را معتبر بدانیم در این موارد ثلاثه اختلاف شده که انجام این اعمال از کافر صحیح است یا خیر؟ پس اختلاف در مورد عتق، وقف و صدقه مبنی بر اینکه آیا این سه عمل از کافر صحیح است یا خیر مبنی بر این است که بپذیریم قصد قربت در اینها معتبر است یا نه؟

بعضی معتقدند این اعمال از کافر صحیح نیست و بعضی هم ملتزم شده اند به صحت آن از سوی کافر؛ یعنی خود کسانی که قصد قربت را معتبر می دانند در این سه مورد اختلاف کرده اند، حال ما ادله قائلین به صحت این سه مورد را ذکر و بررسی می کنیم ببینیم این ادله صحت را اثبات می کند یا خیر؟ مرحوم شهید اول در لمعه و شهید ثانی در شرح لمعه این ادله را ذکر کرده اند و مرحوم میر فتاح^۱ هم به این ادله اشاره کرده که ما اجمالی از این ادله را عرض می کنیم:

دلیل اول:

امور ثلاثه وقف، عتق و صدقه با سایر عبادات فرق دارند. فرق آنها این است که ضمن اینکه این امور عبادت هستند اما آنچه که در این امور اعتبار دارد اراده و قصد وجه الله است؛ یعنی ما دلیل داریم که در این سه مورد قصد و اراده وجه الله

۱. عناوین، ص ۳۹۶، عنوان ۹۰.

معتبر است و اراده وجه الله هم از کافر ممکن است. این مطلب را از روایتی که به این مضمون وارد شده استفاده کرده‌اند که می‌فرماید: «لا عتق إلا ما ارید به وجه الله» هیچ عتقی محقق نمی‌شود مگر آنچه که به سبب آن وجه الله اراده شده است، وجه الله خصوصیتی است که در عتق و امثال عتق معتبر شده ولی در سایر عبادات معتبر نیست.

بررسی دلیل اول:

بر فرض که بپذیریم این روایت بر اعتبار وجه الله دلالت می‌کند سؤال این است که وجه الله به چه معنی است؟ اگر معنای وجه الله همان معنای قصد قربت و قصد امتثال امر باشد، مشکل کما کان باقی است؛ چون همان گونه که قصد قربت و قصد امتثال امر از کافر متمشی نمی‌شود وجه الله هم اگر به معنای قصد قربت باشد از کافر متمشی نخواهد شد. اما ظاهر بیان مستدل این است که گویا وجه الله حقیقتی غیر از قصد قربت و قصد امتثال امر است؛ چون می‌گوید فرق این امور ثلاثه با سایر عبادات این است که این امور نیاز به اراده وجه الله دارند اما در سایر عبادات این گونه نیست، گویا می‌خواهد بگوید وجه الله غیر از قصد قربت است. پس اگر وجه الله همان قصد قربت باشد باز هم از کافر متمشی نخواهد شد و مشکل بر طرف نخواهد شد. اگر منظور از وجه الله معنای دیگری غیر از قصد قربت باشد، سؤال این است که آیا اراده و قصد وجه الله زاید بر قصد قربت، معتبر است یا جایگزین قصد قربت است؟ اگر وجه الله زاید بر قصد قربت باشد باز هم مشکل بر طرف نشده چون قصد قربت از کافر متمشی نمی‌شود و اگر وجه الله غیر از قصد قربت است خلاف فرض است؛ چون اختلاف بر این فرض واقع شده که قصد قربت در این امور معتبر است، پس باز هم مشکل برطرف نشد. استدلال مستدل این بود که در این سه مورد فقط نیاز به قصد وجه الله داریم و قصد وجه الله هم از طرف کافر ممکن است و آنچه که از طرف کافر امکان ندارد قصد قربت است، پاسخ ما این بود که مراد از وجه الله چیست؟ اگر مراد از وجه الله همان معنای قصد قربت باشد مشکل باقی است و اگر منظور از وجه الله معنایی غیر از قصد قربت است سؤال این است که این وجه الله زاید بر قصد قربت است یا جایگزین قصد قربت است؟ اگر زاید بر قصد قربت باشد باز هم مشکل برطرف نشده؛ چون قصد قربت معتبر است و از کافر متمشی نمی‌شود و اگر وجه الله جایگزین قصد قربت باشد و به جای قصد قربت معتبر شده باشد خلاف فرض است؛ چون فرض ما این بود که بالاخره در این امور ثلاثه قصد قربت معتبر است پس باز هم مشکل برطرف نشده و باقی است لذا به نظر می‌رسد این دلیل تمام نباشد.

دلیل دوم:

دلیل دوم این است که این موارد (وقف، عتق و صدقه) در واقع دارای دو جهت هستند، یک جهت مالی و یک جهت عبادی، آنچه که در این سه مورد رجحان پیدا کرده جهت مالی آنها است و جهت عبادی این موارد تحت الشعاع جهت مالی است لذا اگر اخلاقی هم به جهت عبادی وارد شود مهم نیست.

بررسی دلیل دوم:

به نظر می‌رسد این دلیل هم تمام نباشد برای اینکه اولاً: این ادعایی بدون دلیل است و دلیلی وجود ندارد که این موارد ثلاثه دارای دو جهت باشند و جهت مالی آنها بر جهت عبادی رجحان داشته باشد. ثانیاً: بر فرض که بپذیریم این موارد دو

جهت مالی و عبادی دارند و جهت مالی آنها بر جهت عبادی رجحان دارد مشکل این است که ولو یک جهت این اعمال، مالیت آنها باشد اما جهت دیگر عبادیت آنهاست که عبادیت محتاج قصد قربت است و چنانچه به قصد قربت اخلاص وارد شود آن عمل صحیح نخواهد بود. موضوع بحث ما هم صحت این اعمال است که اگر کافری این اعمال را انجام داد صحیح است یا خیر؟ این دلیل به هیچ وجه نمی‌تواند صحت این اعمال را از سوی کافر اثبات کند چون نهایت چیزی که از دلیل استفاده می‌شود این است که جهت مالی این موارد بر جهت عبادی آنها رجحان پیدا کرده است ولی بحث ما در این بود که اگر کافر این اعمال را انجام دهد صحیح است یا خیر در حالی که این دلیل صحت اعمال مذکور را از کافر ثابت نمی‌کند.

دلیل سوم:

دلیل سوم این است که عتق، وقف و صدقه در یک جهت مشترکند و آن اینکه باعث اخراج مال از ملک کافر می‌شوند و از آنجا که ملک کافر از ملک مسلم اضعف است پس اولی به فک است؛ یعنی وقتی عتق، وقف و صدقه باعث فک مال از ملک مسلمان شود به طریق اولی این امور باعث فک مال از ملک کافر می‌شود. طبق این دلیل ما کاری نداریم به اینکه کافر می‌تواند قصد قربت کند یا خیر بلکه می‌خواهیم ببینیم عتقی که کافر انجام می‌دهد صحیح است یا خیر؟ یکی از آثار صحت عتق این است که از ملک خارج شود و این در مورد کافر به طریق اولی واقع می‌شود؛ چون وقتی با عتق مسلمان، عبد از تحت ملکیت او خارج می‌شود به طریق اولی با عتق کافر عبد از ملک او خارج خواهد شد؛ چون ملکیت و سلطنت کافر اضعف از ملکیت مسلمان است.

دلیل چهارم:

دلیل چهارم این است که اصلاً کافر، مالک نیست. اگر چیزی به کافر اسناد داده می‌شود در واقع صورت ملک است نه حقیقت ملک؛ چون کافر صلاحیت مالکیت را ندارد و ما به حسب ظاهر او را مالک فرض می‌کنیم بنابراین وقتی کافر با امثال عتق، صدقه و وقف ملکیت صوری را هم از خودش سلب می‌کند آن مال به حسب ظاهر هم از ملک او خارج می‌شود، درست است که ثواب بر کار او مترتب نمی‌شود ولی عملی که انجام داده صحیح است و اشکالی بر آن وارد نیست.

بررسی دلیل سوم و چهارم:

موضوع بحث ما این بود که آیا اگر کافری امور ثلاثه وقف، عتق و صدقه را انجام دهد صحیح است یا خیر؟ فرض ما هم این بود که در این امور قصد قربت معتبر است لکن بحث این بود که آیا این سه عبادت از سایر عبادات استثناء شده‌اند یا خیر و اگر استثناء شده‌اند به چه دلیل بوده است؟ پس فرض ما این است که این امور (وقف، عتق و صدقه) عبادت هستند و قصد قربت در آنها معتبر است. حال می‌خواهیم ببینیم آیا این سه مورد از سایر عبادات استثناء شده‌اند و صحیح می‌باشند یا خیر؟ به عبارت دیگر تارةً منظور از صحت این است که عمل با آنچه که به او امر شده با حفظ همه ارکان و شرائط و ترتب ثواب مطابقت می‌کند؛ یعنی وقتی مثلاً می‌گوییم نماز صحیح است منظور این است که نماز را با همه اجزاء و شرائط و ارکان امتثال کرده و خداوند متعال هم بر این امتثال پاداش مترتب می‌کند. حال سؤال این است که آیا این امور ثلاثه می‌تواند از سوی کافر صحیحاً واقع شود و آیا این دو دلیل (دلیل سوم و چهارم) می‌تواند صحت به این معنایی را که ذکر شد برای این

امور ثابت کند یا خیر؟ چنین چیزی از ادله استفاده نمی‌شود و نهایت چیزی که از این دو دلیل استفاده می‌شود این است که این امور، اسبابی هستند برای خروج اموال از ملک کافر و رفع ید و سلطنت او از بعضی از اموالش، پس طبق این دو دلیل این امور (عتق، وقف و صدقه) به یک معنا صحیح است و آن این است که آثاری مثل خروج از ملک بر اینها مترتب می‌شود چون طبق دلیل چهارم کافر اصلاً مالک نیست و به حسب ظاهر مالک فرض می‌شود که در این صورت با عتق و وقف و صدقه این انتساب ظاهری هم منقطع می‌شود و مال از ملکیت ظاهری کافر هم خارج می‌شود و همچنین است طبق دلیل سوم، البته طبق دلیل سوم اگر ما بپذیریم کافر مالک حقیقی محسوب می‌شود و عتق، وقف و صدقه‌ای که انجام داده را صحیح ندانیم مشکل است که بتوان حتی ملتزم به ترتب این اثر شد؛ یعنی با این دلیل حتی خروج از ملک را هم نمی‌توان ثابت کرد، اما صحت به این معنی که عمل با تمام ارکان، اجزاء، شرائط از کافر صادر شده باشد و ثواب هم داشته باشد بر این امور ثلاثه صدق نمی‌کند.

محصل سخن ما این شد که قطعاً دلیل سوم و چهارم هم نمی‌تواند صحت به معنای مورد نظر (عبادتی که مطابق دستور خداوند متعال باشد و ثواب بر آن مترتب می‌شود) که موضوع بحث ماست را اثبات کند اما اینکه آیا وقف، عتق و صدقه باعث خروج اموال از ملکیت کافر می‌شود یا خیر و آیا اثر به این معنی مترتب است که مثلاً کافری که عتق کرده بنده از ملک او خارج شده باشد؟ در پاسخ می‌گوییم طبق دلیل چهارم اثر به معنی خروج از ملک بر این امور مترتب می‌شود چون عرض شد که طبق دلیل چهارم کافر اصلاً مالک نیست و به حسب ظاهر مالک محسوب می‌شود اما طبق دلیل سوم که کافر را مالک حقیقی فرض کرد بعید است که حتی صحت به معنی خروج از ملک هم بر این امور مترتب شود. نتیجه اینکه به طور کلی ما از ادله نمی‌توانیم صحت عتق، وقف و صدقه را از کافر بپذیریم بنابراین هر آنچه در باب عبادات کفار عرض شد در مورد امور ثلاثه وقف، عتق و صدقه هم جریان دارد لذا استثنائی در باب عبادات نیست.

«والحمد لله رب العالمین»